

کلیاتی درباره

چکیده مدارک و اسناد یا منابع حقوقی*

خلاصه مطالب

مقدمه

ب - سلسله مراتب توصیفگرها

بخش دوم - چکیده و انفورماتیک

یک - ارزش اطلاعاتی - قلب یا

واژگونی سلسله مراتب چکیده‌ها

دو - اصلاح ارزش خبری - اطلاع

رسانی چکیده‌ها

الف - اصلاح مستقیم

۱ - تعابیر

۲ - سطح یا درجه تحلیل

ب - جبران غیر مستقیم کمبودهای

چکیده

۱ - تصحیح واژه‌نامه

۲ - همبستگیها

خاتمه

بخش اول - چکیده و چکیده نویسی غیرماشینی

یک - صحت و اصالت چکیده‌ها

الف - تحلیل مدارک

۱ - دقت تحلیل

۲ - درجه و سطح تحلیل

ب - تألیف (سنتز)

۱ - قانونگذاری

۲ - رویه قضائی

دو - ساخت چکیده

الف - عناصر چکیده

۱ - کلمات یا تعابیر

۲ - عناصر صوری یا شکلی

۳ - شماره عناصر یا توصیفگرها

۴ - واژه‌نامه حقوقی یا کلمات زبان

معمولی.

* متن اصلی این نوشته بزبان فرانسوی، با نام و نشان زیر و به قلم « آندره دون » سردبیر مجموعه

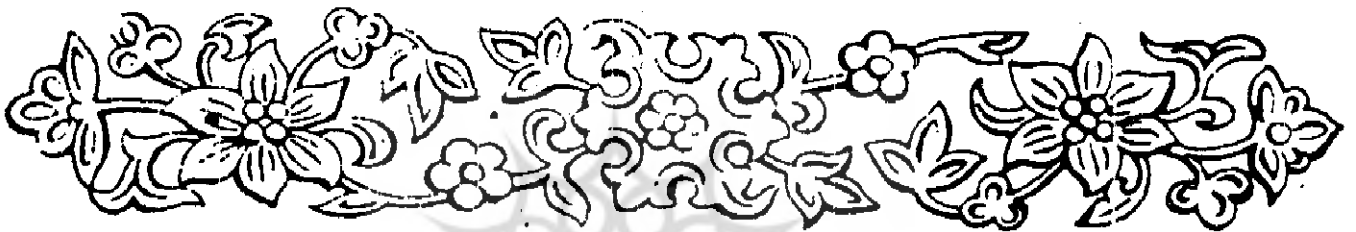
« دالوز - سیری » است :

DUNES, A

Esquisse d'une théorie des abstrats. Contribution à l'Informatiqu en droit. Dalloz:1969-41P.

کلیاتی درباره

چکیده مدارک و اسناد با منابع حقوقی



ترجمه و تحریر از، حسن حبیبی

مقدمه

در نظام تدوین و تنظیم اسناد و مدارک حقوقی، اصطلاح «چکیده»^۱، در کنار دو اصطلاح «سرعنوان» و «واژه کلید» بکار رفته و جانشین آنها شده است. در اصطلاح نامه مدارک و اسناد حقوقی، مقصود از «چکیده» رشته‌ای کوتاه از کلمات یا واژه‌های مجزای از یکدیگر است که در سطحی بالا گزارشگر و تلخیص کننده راه حل‌های مندرج در متن حقوقی مورد نظر میباشد. این واژه‌ها، در پیشانی متن کامل یا خلاصه تصمیمات محاکم و رویه‌های قضائی، قوانین و نظرات فقهاء و حقوقدانان^۲ درج میشوند و مطالعه آنها محتوای متن یا تصمیم مورد نظر را به سرعت روشن میسازد.

بهره‌جویی از انفورماتیک موجب پیشرفت چکیده نویسی میشود و تنظیم و تدوین چکیده‌های دقیق در پیشرفت مطالعات حقوقی و قضائی مؤثر خواهد بود. وارد ساختن اطلاعات حقوقی به ماشینهای حسابگر و استفاده کامل از این اطلاعات، نیازمند واسطه یا میانجی است، چکیده‌ها همان واسطه‌های لازم هستند. در نتیجه بیان نکاتی که حد و مرز

ABSTRAT/ABSTRACT

۲ - بدو کلی باید تمامی منابع حقوق از جمله رویه‌های اداری، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های وزارتی و تفایر اینها را نیز مد نظر داشت.

کار «چکیده» را روشن سازد و بد روش چکیده نویسی اشارت کند، بایسته است. اما نخست باید به این سؤال پاسخ داد که آیا در زمینه مسائل مربوط به قانون و رویه قضائی و عقاید علماء، بیان این نکات باید بطور مجزا صورت گیرد و یا این مباحث را میتوان و باید در چهارچوب و قالبی واحد عرضه کرد. پاسخ آنست که در مطالعات حقوقی نیز همانند مطالعات دیگر چکیده‌ها باید همگن باشند و کلیت و وحدت درونی این مطالعات را گزارشگری نمایند بنابراین جداساختن چکیده‌های مربوط به قانون، رویه قضائی، و عقاید علماء و نظرات فنی - اداری مرتبط با حقوق از یکدیگر خطاست. شک نیست که این مقولات همانند نیستند و حتی در خصوص چکیده‌های در یک میتوان مشخصات ویژه‌ای را سراغ کرد اما چون همگی گزارشگر اخبار و اطلاعات حقوقی هستند، در چکیده نویسی آنها باید روشی واحد در پیش گرفت و تقسیم قدیمی منابع حقوق را در روش چکیده نویسی منعکس ساخت. هدف از گردآوری و قابل استفاده ساختن اطلاعات حقوقی، فراهم کردن راه‌حلهای و عرضه آنهاست. بنابراین به دلیل همبستگی راه حلها از هنگامیکه راه‌حلهای موجود در یک منبع، واجد سندیت باشند، آنها هم نظیر راه‌حلهای منابع دیگر باید عرضه آگاهی شوند. هر یک از منابع چندگانه حقوق دارای پویندگی و توانمندی ویژه خویش است. در قلمر قانونگذاری، قوانینی وضع میشود که احتمالاً موضوع آنها تبلاً مورد بحث و بررسی و تدوین قانونی قرار نداشته است. در این حالت، چنانچه محیط عدلی و فنی حقوقی فعال باشد مفسران، یعنی پیشگویان دشواریها یا راه‌حلهای جنبی و مضمحل در این قانون، میکوشند تا این مسائل را تصور و راه‌حل آنها را عرضه نمایند. در طول زمان، احکام و تصمیمات محاکم و جر و بحث در میان آنها و سپس آراء دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری پای به میدان میگزارند. در حالت دیگر، یعنی هنگامیکه راه‌حلهای قوام یافته باشند، پاسخ مربوط را یا در متن قوانین، بطور صریح و یا در روش نسبتاً ثابت محاکم میتوان بازیافت. در هر حال نظر به اینکه پاسخ در این چند منبع یافت میشود حق آنست که مجموعه مدارک و اسناد حقوقی مورد بررسی قرار گیرند. در این کار انفورماتیک نیز دستیاری ارزنده است زیرا جستجویش تمام عیار و کامل است و بطور همزمان پاسخ مطلوب را، که در متون گوناگون و پراکنده قوانین، احکام و تصمیمات قوه قضائیه و عقاید علماء، وجود دارد عرضه مینماید.

بنابراین مطالعه در خصوص مطالب مربوط به چکیده نویسی در همه زمینه‌ها باید از یک روش واحد پیروی نماید. بحث حاضر دارای دو بخش خواهد بود:

بخش اول، چکیده و چکیده نویسی غیر ماشینی.

بخش دوم: چکیده و انفورماتیک.

بخش اول

چکیده و چکیده نویسی غیر ماشینی

چکیده نویسی شاخه‌ای از فن تنظیم مدارک و اسناد است و بنابراین بایستی انعکاس درست و قابل اطمینانی از آن باشد و صحت و اصالت حاصل کار خود - یعنی چکیده - را با پی افکندن یک ساخت علمی تأمین نماید .

یکم : صحت و اصالت چکیده‌ها

برای آنکه یک سند یا مدرک از کیفیت مطوب برخوردار باشد ، باید موثق و مورد اطمینان باشد ارجاع نادرست ، محقق را ناخشنود میسازد و ناصحیح بودن تحلیل منابع ، خشم ویرا برمیانگیزد. چکیده‌ها نیز چون عنوان سند و مدرک را دارند ضرورتاً باید صحت و اصالت داشته باشند و راه حل مقبول قانونگذار و یا قاضی را ، با امانت کامل عرضه نمایند . این مطلب هم در خصوص تحقیق‌های ماشینی اهمیت دارد و هم در مورد پژوهش‌های غیر ماشینی (دستی) . توجه به این نکته به جاست که ماشین حسابگر همانند مغز انسان ماشین پردازش و آمایش « اطلاعات » است در بهترین حالت و وضعیت کمیت اطلاعاتی که وارد ماشین میشود ثابت میماند و حتی در بسیاری از اوقات تقلیل مییابد ، و در هیچ حالت نیز از لحاظ کمیت چیزی بر آن افزوده نمیشود . بنابراین کیفیت پاسخ ، دقیقاً با کیفیت چکیده‌هائی ربط مییابد که گزارشگر اطلاعات مورد بحث میباشند . اصلاحاتی که ممکن است در نظام تحقیق بدانها دست زد ، در این ارتباط دقیق اثر نمیگذارد و عدم توجه به این واقعیت همان نتایجی را به بار خواهد آورد که گهگاه آمارشناسان و آمارگران با آن روبرو میشوند . آمارشناسان با وسواس و دقت فراوان به تنظیم داده‌هائی میپردازند که در آشفتگی و بی‌نظمی کامل و بی‌حساب گردآوری شده‌اند ، اما نتیجه کار به روشنی نشان میدهد که این دقت در تنظیم ، چاره ساز آشفتگی های بنیاتی نمی‌تواند بود .

باری ، چکیده باید انعکاس مطمئن منبع حقوقی در خلاصه‌ای نظرگیر باشد . کیفیت مطلوب تحلیل مدارک و اسناد حقوقی و کیفیت مطلوب تألیف یا ترکیب آنها سبب میشوند که چکیده حاصل ، از صحت و اصالت برخوردار گردد .

الف - تحلیل مدارک

تحلیل باید دقیق باشد ، در عین حال سطح یا درجه‌ای هم که تحلیل باید مدنظر قرار دهد

۳ - از قبیل اصلاحات مربوط به تزویرس THESAURUS یا اصطلاح نامه، که در صفحات آینده

بدن میپردازیم .

تعیین گردد .

۱ - دقت تحلیل

آسانی یا دشواری تحلیل با کیفیت ماده‌ای که مورد تحلیل قرار میگیرد ، ارتباط دارد . و لازمه توفیق آنست که تحلیل گران دارای اطلاعات و آگاهیهای خاص این رشته باشند .

۱-۱- ماده اولیه مورد تحلیل - در مرحله اول قانون و رویه قضائی ، از جمله مواد اولیه‌ای هستند که باید مورد تحلیل قرار گیرند .

۱-۱-۱- قانون - قانون منبعی است که در برابر تحلیل سرکشی میکنند . در اینجا ما به تشریح انتقادی قواعد فنی قانونگذاری نمی‌پردازیم این بحث که قانونگذاری در بسیاری از کشورها ، از لحاظ روش تدوین نقص دارد ، به موقع باید مطرح گردد .

در کنار مواد قانونی همگن ، که منشاء مسائل مورد بحث آنها یک امر است و بنابراین مواد آن حول یک محور دور میزنند ، با مواد قانونی ناهمگن روبرو می‌شویم که در یک متن راه حل مسائل گوناگون را کنار هم مینهند . علاوه بر این گاه قوانین و راه‌حلهای مربوط به یک امر یا مجموعه‌ای از امور مشابه را در یک قانون یا مجموعه قانونی تدوین میکنند و گاه عناوین یا فصل‌های مربوط به یک امر را ، از مجموعه خارج می‌سازند و با عنوانی جدا معنون مینمایند .

گروه‌هایی هم که به تدوین مقررات می‌پردازند متعددند . صرفنظر از قانون ، با تصویب نامه ، اساسنامه ، آئیننامه مصوب هیأت وزیران ، آئیننامه‌های مصوب شوراهای ، آئیننامه‌های مصوب جمعی از وزراء یا یک وزیر ، بخشنامه‌ها و دستورالعملها و نظایر اینها روبرو هستیم . اینها همه ، راه‌حلهای همگن را در دو تیپ عمده از مقررات : قانون - تصویب‌نامه و . . . متفرق می‌سازند .

این وضعیت ، تحلیل مقررات را دشوار می‌سازد . آنچه همواره باید مدنظر باشد اینست که جستجوی راه‌حلهای را باید از مبدا این سلسله مراتب یعنی قانون آغاز نمود و مرحله به مرحله پیش رفت و به مقررات دیگر نظر کرد . همسانی چکیده‌ها ، در کمال این جستجو مؤثر است .

۱-۱-۲- رویه قضائی - تصمیمات ، یا آراء و احکام قوه قضائیه نیز باید تحلیل گردند . چنانچه تصمیمات مذکور به خوبی طراحی و به دقت تحریر شده باشند این تحلیل دشوار نخواهد بود ، طراحی و تحریر دقیق تصمیمات قضائی غالباً با دقت و سخت‌گیری توأم است و این صفات ریاضی‌دانه و حقوقدانان را به یکدیگر نزدیک می‌سازد . بعکس گرایش بی‌اندازه به بحثهای فلسفی و در عین حال توجه بجزئیات بی‌فایده ، کار تحلیل آراء رادشیرار می‌سازد . در واقع زبان حقوقی و قضائی باید از حالت رازگونه‌ای که شمه‌اش ابهام وجدال‌هی

کلیاتی درباره چکیده مدارک و اسناد ۱۵۱

لفظی است بپرهیزد. در این صورت تحلیل گریا اولین مطالعه رأی، مسائل مورد حل و فصل و راه حل آنها را مییابد.

اما اعم از آنکه بررسی آسان یا دشوار باشد، تحلیل درست و بقاعده، تحلیل گران شایسته و صاحب صلاحیت میطلبید.

۱-۲- تحلیل گران - تحلیل گران را باید از میان تکنیسینهای کارآزوده برگزید. نظر به اینکه لازمه دقت تحلیل، وحدت روش تحلیل است، بنابراین اگر هر یک از تحلیل گران، معایق سلیقه خود و با پیروی از یک نظام فردی عمل کند، حاصل کار اسیدوار کننده نخواهد بود. نتیجه آنکه کار دسته جمعی زیر نظر مدیریت واحد و با پیروی از روشی مشخص لازم است. معذک آنچه مربوط به چکیده نویسی قانون است و تحلیلی که مربوط به چکیده نویسی رویه قضائی است هر یک، مستلزم آشنائی با و آگاهیهای ویژه نیز میباشند.

۱-۲-۱- با وجود اشکالاتی که ناشی از عدم رعایت قواعد فنی قانون گذاری است متون قانونی نسبتاً آسان است. آنچه دشوار است یکی تأمین ارتباط میان مقرراتی است که مرجع تصویب آنها متفاوت است، که در این زمینه نمابه سازی، یکسان به شناسائی راه حلهای مکمل مربوط به یک امر مدد می رساند. مشکل دوم که از مشکل اول مهمتر است تعیین سطح یا درجه تحلیل است که در قسمت «۲» بدان اشارت خواهیم کرد.

۱-۲-۲- برای تنظیم راه حلهای رویه قضائی، حتی در صورتی که به خوبی تحریر شده باشد، تحلیل گران باید از جمله حقوقدانان ورزیده باشند. تحلیلی که حاصل آن تحریر چکیده هاست باید فقط آنچه را لازم و کافی است در بر بگیرد. به عبارت دیگر، تحلیل باید کلیه راه حلهای مندرج در متن را بیان نماید، اما شیر از راه حلهای به مطلب دیگری نپردازد. این نکته از لحاظ صاحب نظر در انقورماتیک که در هر کلمه اطلاعی را نهفته میداند نامقبول است اما باید توجه داشت که آنچه ما در پی آن هستیم اطلاعات حقوقی جهت دهنده و راهنما و کارساز می باشند و توصیه ما اینست که تنها همین اطلاعات انتخاب شوند. در این انتخاب باید از دو نظر گاه به متن نگریست و مطالب زیر را گزارش نمود:

- راه حلی که تصمیم قضائی عرضه کرده است. در صورتیکه لازم بود باید به بیان دلائلی هم پرداخت که مربوط به این تصمیم است و در متن رأی بدانها اشاره شده است.

قاعده حقوقی و مسائل مربوط به ماهیت دعوی که در رأی مندرج است. محدود کردن تبیین به گزارش عباراتی که مبین قاعده حقوقی است، اشتباه است. زیرا در هر رأی غالباً بحث شکلی و بیان قاعده حقوق در رابطه تابسی با نتیجه کار واجد ارزش است و نتیجه کار نیز با ماهیت دعوی مرتبط است. در هر حال باید پل میان قاعده و ماهیت دعوی را برقرار کرد. در واقع یکی از اهداف تحقیق عملی و حتی نظری حقوقی، جستجوی سابقه است.

سابقه در این بحث به معنای واقعه‌ای است که از لحاظ قاعده حقوقی بطور مسلم، و از لحاظ ماهیت نیز بیش و کم، شرائط یکسان و یا حداقل مشابه با وضع دیگر را گزارش مینماید. بنابراین برای تسلط بر سابقه باید به ماهیت قضیه نیز آگاهی یافت.

گفتیم که باید سراپای راه حل را تحلیل کرد و در عین حال تنها به راه حل پرداخت، تا چکیده حاصل، موجز و مختصر باشد. بنابراین حد تحلیل، دقیقاً محدود به نقطه تماسی خواهد بود که مورد مطالعه قاضی قرار گرفته است. خلاصه آنکه تحلیل گر باید از لحاظ حقوقی ورزیده باشد تا گستره قاعده حقوقی و گستردگی ماهیت دعوی را باز شناسد.

بحث بعدی مربوط به میزان تحلیل یا سطح و مرتبه‌ای میشود که تحلیل در آن مرتبه قرار میگیرد. در این بحث توجه خود را معطوف قانون میکنیم.

۲- درجه و سطح تحلیل

بهرتر است منابع حقوقی (از هر نوع) که مورد تحلیل قرار میگیرند از لحاظ مرتبه تحلیل در یک سطح واقع شوند تا همگنی تحلیل تأمین گردد. نکته مهم آن است که تحلیل قانون نیز همانند تحلیل رویه قضائی باید از تفصیل برخوردار باشد. اما در این زمینه بهرحال، احتمال موفقیت کمتر است.

رویه قضائی به حل و فصل دعوی یا مرافعه میردازد دعوی گزارشگر یک حالت رسمی است و کارقضائی متضمن کوشش در زمینه تشخیص بیماری و درمان آن است. قاضی در متن سندی که تنظیم میکنند به سئوالهایی که بر مبنای خواسته‌های طرفین دعوی مطرح شده است، پاسخ دقیق میدهد. حال آنکه قانونگذاری جنبه پیش‌بینی دارد، و تحلیل دستاورد آن یعنی قانون دارای مبنای دقیق و استوار نیست. در باره «واحد» مطالعه نیز تردید وجود دارد، آیا عنوان یک متن قانونی را باید «واحد» تلقی کرد و یا باید یک فصل آن، یا یک ماده و یا یک بند از ماده را بعنوان واحد برگزید؟ و این مسأله را که یک قانون «حاوی مضامین دیگر» نیز هست، چگونه باید حل کرد؟ میدانیم که قوانین، تصویب نامه‌ها و آئیننامه‌ها با برخی از مفاهیم مستقیماً مربوط میشوند و همین مفاهیم هستند که در چکیده‌ها ظاهر میگردند. اما مقررات مذکور حاوی مضامین و مفاهیم دیگری نیز میباشند که در بررسی بطور مستقیم با آنها برخورد نمیشود. گزارش این مضامین مستلزم تنظیم نمایه‌های اضافی است. علی‌الاصول نمایه‌سازی متعدد در رویه قضائی نادر است، اما در قانون بواسطه تضمن و احتوائی که از آن یاد کردیم، با این نمایه‌سازی چندگانه روبرو میشویم به همین سبب در قوانین مالی که هر ماده آن مربوط به یک موضوع خاص است، کار به تحریرنامه‌ها چکیده میانجامد.

باری چنانچه مواد قانون همگن باشد نمایه‌سازی آن بی‌اندازه ساده و بسیط میشود و در

کلیاتی درباره چکیده مدارک و اسناد / ۱۵۳

صورتیکه ناهمگن باشد، به تفصیل خواهد گرائید. بنظر میرسد که کار نمایه سازی قوانین و تصویب نامه ها را باید از روزنامه رسمی آغاز کرد. اگر تدوین و تنظیم چکیده های قانون موجب تأخیر انتشار نشود، میتوان چکیده ها را در پیشانی قانون که در روزنامه چاپ میشود، عرضه کرد. اما در ابتدای کار برای پرهیز از تأخیر، میتوان چکیده را در جزوه هایی که پس از انتشار اصل روزنامه، و در مرحله بعد منتشر میگردد، بدست داد و از آغاز نیز کوشش کرد که نمایه سازی قانون و نمایه هایی که برای رویه قضائی در نظر گرفته میشود همگن باشد.

مطلب دیگری که پس از تحلیل باید بدان توجه کرد تألیف و ترکیب است.

ب - تألیف (سنتز)

۱- قانونگذاری

در قانون میان محتوی متن قانونی و چکیده، حد واسط و میانجی وجود ندارد، مقصود از میانجی در این جا میانجی طبیعی است، اما برای آسان کردن کار خواننده، میتوان خلاصه های توصیفی تهیه کرد که خطوط عمده و اساسی قانون را بیان نمایند. در کار تألیف یا ترکیب بیش و کم با خطر تعمیم بی اندازه روبرو هستیم. وقتی جنبه توصیفی چکیده کم باشد، خطر محدود میگردد و میزان کم دقتی کاهش مییابد. در صورتیکه مطالعه نسبتاً به تفصیل صورت گرفته و تحلیل عمیق داشته باشد، تسلط بر فنون تعمیم ضرورت ندارد. بعلاوه عمومیت و انشعاع از خاصه های قدیمی قانون هستند و بنابراین واژه های قانون با چکیده ها از یک جنس اند. با اینهمه گهگاه حیتیت و اعتبار هر یک از کلمات قانون، موجب میشود که تبدیل آنها به مفهوم دشوار باشد و تعمیم با اشکال صورت پذیرد.

۲ - رویه قضائی

غالباً یک رأی یا حکم چند صفحه ای را باید از طریق تحریر چکیده ها در چند کلمه گزارش کرد. در اینجاست که باید بر فنون تعمیم تسلط داشت و به تشخیص مراحل آن پرداخت و خطراتی را که در معرض آن قرار داریم ارزیابی نمود.

۱-۲- مراحل تعمیم - متن کامل تصمیم قضائی، مدرک مبثائی رویه قضائی را تشکیل میدهد. چکیده که یک رشته کوتاه از کلمات است برای شناساندن تصمیم و طئه بندی آن تحریر میشود. اما میان این دو حد یعنی متن کامل و چکیده که بالاترین مرتبه « سنتز » یا تألیف است، مراحل واسط یا میانجی زیر پیشنهاد میشود:

۱-۱-۲- خلاصه تصمیم - خلاصه مذکور که گهگاه کلاک نیز خوانده میشود خلاصه رأی یا حکم را تشکیل میدهد و در آراء مهم باید بین ده تا بیست سطر باشد و معمولاً

بلافاصله پس از چکیده و قبل از متن تصمیم بیاید. به سئزله نخستین تحلیل باشد. در صورتیکه تصمیم بطور کامل چاپ شود، خلاصه از تفصیل کمتری برخوردار خواهد بود، و چنانچه خلاصه، منحصراً و بعنوان تنها منبع عرضه شود باید دارای تفصیل بیشتری باشد.

۲-۱-۲- خلاصه‌ای که ذیل قانون بیاید - برای آشنائی به رویه‌های مهم توصیه می‌شود که خلاصه‌ای از آنها در ذیل مواد قانونی مربوط، نوشته شوند. روشن است که این خلاصه باید کوتاه‌تر از خلاصه قبلی و در چهارپنج سطر باشد و به طریقی موجز، راه‌حلهائی را بیان کند که رویه قضائی در آن مورد، عرضه کرده است. وجه مشترک این دو نوع خلاصه آن است که هر دو دارای جملات کامل هستند و به سبک معمول نوشته میشوند، کن وضع چکیده بدین قرار نیست.

۲-۱-۳- چکیده - کوتاه‌تر و مختصرتر از خلاصه‌ها است و بصورت یک رشته از کلمات است که پس از مجزا کردن عناصر اصلی و اساسی خلاصه اول از یکدیگر، آنها را بدنبال هم قرار میدهد، و با علامت «،» از هم جدایشان میکند.

در این مراحل که بدنبال هم می‌آیند متوالیاً کوشش بر خلاصه‌تر کردن مطلب و دقیقتر نمودن و سخت‌گیرانه‌تر ساختن سنتز است. دقت در خلاصه نویسی شرط دقت چکیده خواهد بود. بنابراین باید احتیاط فراوان بکار برد تا تحلیل در برابر خطر تعمیم مفاومت ورزد.

۲-۲- خطر تعمیم - در تعمیم با دو خطر روبرو هستیم که یکی اتلاف معانی و کاهش آنها و دیگری تغییر شکل مفهوم مورد بحث است.

در تحریر چکیده‌ها، فکر ما متوجه صافی کردن و پالایش متوالی است. اما ممکن است که در هر یک از عملیاتی که بدین منظور صورت می‌گیرد بخشی از ماده «اطلاعاتی» از دست برود، کمبود در چکیده بصورت خلاءهای اطلاعاتی نمودار میشود. خلاء نیز یا از جهت مفاهیم حقوقی و یا از جهت عناصر واقعه (ماهیت مسأله مورد نزاع) است. تغییر شکل مفهوم، این وضع را تشدید می‌نماید. طبیعت تألیف، که متوجه فرم یا شکل است همراه با گرایش به انزاع است. روحیه تحسین انگیز علمی گهگاه دست بد تغییر شکل‌هایی می‌زند که اثرش بر کیفیت مدارک و اسناد اطلاعاتی نامطلوب است. خصوصاً در مورد چکیده‌های رویه قضائی باید به این مسأله توجه داشت که بیان وقایع (ماهیت) و گزارش قاعده حقوقی، هیچیک از حالت تعادل خارج نشوند، و جنبه‌های علمی قاعده حقوقی وقایع ماهوی را از میدان بدر نکنند. این مطلب در ساخت چکیده که در بحث بعد بدان می‌پردازیم تأثیر می‌گذارد.

دوم: ساخت چکیده

بحث ما در این قسمت مربوط به عناصر تشکیل دهند چکیده‌ها و چگونگی سلسله مراتب

آنهست :

الف عناصر چکیده

چکیده ، کلمات یا تعابیر و گهگاه نیز چند عدد و رقم است که به واژه نامه حقوقی یا زبان معمولی تعلق دارند .

۱ - کلمات یا تعابیر

هر جمله به قسمتها و بندهائی تقسیم میشود که واحد آن را کلمه تشکیل میدهد . هنگامیکه تحلیل صورت گرفت و مستتر در حد بالای خود انجام یافت ، در نمایه های حاصل که نوعی عنوان وارونه شده است ، کلمات یا تعابیر از یکدیگر جدا میشوند و به عنوان چکیده در کنار هم ردیف میگردند . علی الاصول کلمه را باید بر تعبير مقدم داشت و به همین اعتبار است که چکیده بر « سر عنوان » و یا « واژه های کلید » که معمولاً بصورت تعبير هستند ، برتری دارند . تعبير فاقد کلمه ای است که به اندازه کافی بتواند مفهوم مورد نظر را تجسم بخشد . علت آنستکه تعبير معمولاً از دو یا سه کلمه تشکیل میشود و نیرو و برد این کلمات در مقایسه با هم یا در مقایسه با دیگر کلمات « چکیده » ، نامساوی است بنابراین برجستگی و اهمیت تعبير تنها منوط به ترکیب آن است . (البته این همزیستی در چکیده های سنتی بیشتر مدنظرند تا در مواد ماشينهای حسابگر) یادآوری این نکته بجاست که تعبير به هیچوجه صورت جمله پيدا نمیکند زیرا اساس کار در چکیده نویسی آن است که جمله به عناصر ترکیب کننده اش تجزیه گردد ، تا مفهوم را به وضوح عرضه نماید .

پس در مرحله اول باید واحد ترکیب کننده چکیده را که کلمه یا تعبير است معین کرد . در پژوهشهای ماشینی نام این واحد به توجه به وظیفه ای که انجام میدهد « توصیفگر » است .

۲ - عناصر صوری یا شکلی

اصولاً توجه چکیده به محتوای مادی منابع حقوق است، اما آیا میتواند حاوی عناصر صوری نیز باشد ؟ پاسخ مثبت است ، زیرا گهگاه چکیده ها ، مراجع و یادآوریهای عددی را نیز در برمیگیرند . ارجاعات و یادآوریهای مورد بحث مربوط به متون قانونی اند غالباً قانونگذار در تغییر مواد قانون یا نسخ آن به این طرز عمل میکند (مثلاً اصلاح تبصره ۲ ماده ۳ قانون . . .) و در عنوان یک متن قانونی فقط به عناصر شکلی اشارت مینماید . نیز تصمیماتی که ناظر به تفسیر متون هستند غالباً حاوی این عناصر شکلی میباشند . در مواردیکه یاد شد عنصر شکلی حضور دارد، اما وقتی که ارجاعات و اشارات شکلی در متن

بصمیم نیست ذکر آنها مورد نخواهد داشت. در آراء دیوان عالی کشور علی‌الاصول عناصر شکلی کم است. پس نمی‌توان گفت که چکیده‌ها بطور نظام‌یافته دارای ارجاعات شکلی (متن یا عدد) میباشند؛ اما بهرحال مواردی که عناصر صوری در چکیده‌ها می‌آید نادر نیست.

۳ - شماره عناصر یا توصیف‌گرها

بهترین چکیده‌ها، غالباً نظیر خطابه‌ها و نوشته‌های خوب، کوتاه هستند زیرا چکیده نیز از منطق ایجاز و اختصار پیروی میکند، اما گفتیم که اختصار نباید به مثله کردن مفاهیم بینجامد و اصالت و صحت مطلب را مخدوش سازد. آنچه اهمیت اساسی و تعیین‌کننده دارد عمق تحلیل است. در مورد قانون و رویه قضائی ایران از این پس باید به تدریج شماره مطلوب چکیده‌ها را معین ساخت. چکیده‌های رویه قضائی فرانسه تقریباً دارای شش کلمه و چکیده‌های قانون و تصویب نامه‌ها دارای چهار یا پنج کلمه‌اند. البته شماره عناصر، با توجه به پیچیدگی مساله و گستردگی دامنه موضوع، تغییر میکند. در این مقام دقت کار موجب پرداختن به حواشی میشود. وقتی در رشته‌ها و شاخه‌های پرمایه حقوقی در برابر راه‌های متعدد و نزدیک به یکدیگر قرار می‌گیریم، نخستین کار تعیین فرق میان آنهاست. در موضوعاتی که منابع حقوقی فراوان وجود ندارد فرق میان راه‌حلها، باید از دومین کلمه چکیده ظاهر شود. اما وقتی در یک موضوع مدارک و اسناد حقوقی فراوان است، اختلاف دیرتر ظهور و بروز میکند و گهگاه لازم می‌آید که بر تعداد متوسط کلمات یک یا دو کلمه افزوده شود. با توجه به آنچه گذشت روشن میشود که تدوین و تنظیم چکیده با حجم موضوع مورد بررسی مربوط است.

۴ - واژه‌نامه حقوقی یا کلمات زبان معمولی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در چکیده‌های رویه قضائی مفاهیم حقوقی و ملاحظات ماهوی هر دو وجود دارند و عنان بر عنان به پیش می‌روند، همین امر نیز همزیستی کلمات دو زبان حقوقی و زبان معمولی را در چکیده توجیه مینماید. میدانیم که قاضی موظف است امر خاص را بر امر عام و امر متعین را به امر منتزع عرضه کند و قواعد را بر موارد منطبق سازد.

در چکیده قانون نیز حضور زبان معمولی ناشی از لزوم توصیف و تشریح قلمرو مادی اعمال و اجرای آن است، و در هر حال زبان معمولی نیز در متن واقعیت‌های حقوقی درگیر است. سخن کوتاه، باید از وسوسه فرق نهادن بین دو مقوله عمده امر حقوق و امر ماهوی پرهیز کرد زیرا چکیده علی‌الاصول یک زبان مفهومی است و در پشت کلمات، ایده است که بصورت یک واقعیت زنده وجود دارد. مطالعه عمقی و تطبیقی توصیف‌گرها روشن می‌سازد که هر چند عمق و شدت مفهومی متغیر است اما به ندرت این عمق و شدت به مرحله کمال و یا عدم آن

کلیاتی درباره چکیده مدارک و اسناد / ۱۵۷

میرسد. وقتی توصیف‌گرها را تعقیب میکنیم باید درجات و مراتبی را ملاحظه کنیم که بصورت نردبانی با پله‌های نزدیک به هم است و در نتیجه سربالائی و سرازیری هر مفهوم بالنسبه به مفهوم بعدی و قبلی‌اش بسیار کم است. بنابراین ابداع مقولات دور از هم نیست. روش معمول در تنظیم چکیده‌های سنتی اینست که مفاهیم حقوقی در ابتدا و در سرشته کلمات ذکر شوند ظاهراً در این زمینه تقدیم مفاهیم حقوقی مورد توجه است و در واقع پذیرفته میشود که عناصر تشکیل دهنده چکیده دارای سلسله مراتب است.

ب - سلسله مراتب توصیف‌گرها

در زبان جاری و معمولی، ذهن بشر از جزئی به کلی توجه میکند، اما در نمایه‌سازی، تحلیل‌گران جهت را تغییر میدهند و از کلی به جزئی رو می‌آورند. تحلیل متنازل که در چکیده‌ها ظهور دارد، همنان با کم مایه شدن جنبه حقوقی آنهاست. نخستین کلمات چکیده باید ناظر به مفاهیم حقوقی باشد. و بتدریج که واژه‌های چکیده پیش می‌روند، باید عناصر « ماهوی » را عرضه نمایند.

ساخت رویه قضائی بگونه‌ای است که در آن واقعه یا امر ماهوی، با قاعده حقوقی تلاقی میکند. در رویه قضائی غالباً به مناطق مشترکی بر می‌خوریم که عناصر آن دارای طبیعت دوگانه‌اند. (نگاه کنید به قسمت الف - ۱).

باری سلسله مراتب عناصر چکیده سنتی، با گرایش مسلط بر تحلیل مرتبط است. قسمت اعظم چکیده‌ها پذیرای این سلسله مراتب میباشند. لکن این سلسله مراتب در کار ماشینهای حسابگر مؤثر نیستند.

بخش دوم

چکیده و انفورماتیک

چکیده، ماده اولیه ماشین حسابگر است. توصیف‌گرها، یاخته‌های اطلاعاتی را تشکیل میدهند و میانجیهای لازم برای ورود به ماشین میباشند. مدارک و اسناد حقوقی، با واسطه این توصیف‌گرها به حافظه ماشین سپرده میشوند و سپس میان استفاده‌کنندگان توزیع میگرددند. ماشین حسابگر فقط عناصر چکیده را میشناسد، اما نسبت به سلسله مراتب آنها بی‌اعتناست. از این مهمتر ماشین ارزش این سلسله مراتب را نفی مینماید. و به جای آن ارزش خبری یا اطلاعاتی را مینماید. ماشین حسابگر با واسطه « تزوروس » خود ارزش اطلاعاتی توصیف‌گرها را کامل میکند و آنها را اصلاح مینماید و تحقیق را سامان مبخشد.

یکم : ارزش اطلاعاتی - تلب یا واژگونی سلسله مراتب چکیده‌ها

احتمالات تعیین کننده و تعریف کننده کمیت اطلاعات اند و اطلاعات مقیاس و میزان احتمالات میباشند. یک مفهوم متواتر، ناقل اطلاعی کم‌مایه و ضعیف است، بدین اعتبار ارزش اطلاعاتی توصیف‌گرها دارای تفاوت بسیارند و بیش و کم جنبه انتخابگر خواهند داشت. در این برداشت جنبه انتخابگر پرسش در باره یک مفهوم حقوقی برجسته، که دارای بار مدارک و اسناد بسیار سنگین است اندک میباشد. بعکس پرسش در باره توصیف‌گری که تواترش کم است سریعتر به مرحله انتخاب میرسد.

پس آنچه قبل از هر چیز در اطلاعات مورد لحاظ قرار میگیرد، توصیف‌گر است. در ماشین حسابگر با استفاده از چکیده‌ها اصطلاح نامه یا تزوروس تنظیم میشود.

پیشتر گفتیم که ماشین حسابگر از سلسله مراتب سنتی فارغ است و تنها به ارزش اطلاعاتی توجه دارد، بنابراین منطق ماشین از منطق تحلیل‌گر متفاوت است. تحلیل‌گر مفاهیمی را که دارای بار بالای حقوقی هستند و قابلیت‌گزینش آنها در ماشین بسیار کم است مقدم میدارد، حال آنکه ماشین نه تنها سلسله مراتب سنتی را نفی میکند بلکه سنایت حاکم بر این سلسله مراتب را نیز نادیده میانگارد. حاصل این وضع آن است که روش تحلیل و روش سوال از ماشین اساساً متفاوت میشود. برای داشتن پاسخ دقیق در باره یک راه حل، ظاهراً باید سوال را با توجه به نمایه‌های ورودی و در تطابق با آنها مطرح کرد. اما تحقیق ماشینی از این راه نمیرود یعنی در آن ممکن است که با بهره‌جویی از قدرت انتخاب یا ارزش بالای اطلاع رسانی یک توصیف‌گر غیر محتمل، به هدف برسیم. پرسشهایی که در باره اسامی خاص است، زودتر به پاسخ میرسند. از این رو راه‌حلهای حقوقی مهم را بهتر است با نام اطراف دعوی مشخص ساخت. اما پرسش واحد در باره مفاهیم حقوقی مهم موجب سروصدای زیاد ماشین میشود، زیرا اطلاعات موجود در حافظه ماشین از تواتر بالا برخوردار است. با توجه به این امر که استفاده از زمان در ماشین، با هزینه زیاد روبروست، به کمک روشهای آماری و با تحلیل محتوا و مضمون توصیف‌گرها باید ارزش اطلاع رسانی آنها را معین ساخت یعنی از طریق شمارش کلماتی که بیانگر مفاهیمند، تواتر استفاده آنها را تعیین کرد. ماشین به آسانی میتواند شماره واژه‌ها را از حافظه خود بیرون بکشد، برخی از لغت نامه‌ها در برابر هر یک از توصیف‌گرها، شماره تواتر مفاهیم مربوط به آنها را ذکر میکنند. این اطلاع از لحاظ جهت دادن تحقیق جالب توجه و قابل استفاده است. بی‌شک پدیده انتخابگری مورد بحث توجه کننده این بیان است که: «در ماشین زبان جاری و معمولی، واژه‌نامه حقوقی را از پادر می‌آورد» اما این بیان سفسطه آمیز و این ملاحظه غلط و نادرست است آنچه در این ملاحظه‌شایان توجه است مساله پدیده انتخابگری نیرومند توصیف‌گرهای غیر محتمل، بویژه در جستجوهای مربوط به رویه قضائی است.

کلیاتی درباره چکیده مدارک و اسناد / ۱۵۹

معمولاً باید پرسشها را با هم تنظیم و تنسيق نمود. ° باید خاطر نشان ساخت که تقارن زمانی سؤال، مساله را ساده میکند، نظر به اینکه ماشین خود، نظم و قرار مؤثر در کار خویش را سروسامان میدهد، بنابراین نظم و نسق در پرسشها، اهمیت خود را از دست میدهد.

تقریباً همواره در سؤال دوم بطور شگفت‌انگیز مفهوم حقوقی وارد میدان میشود و بار دیگر سر ر میآورد. برای مثال: سؤال در مورد «گاراژدار» ممکن است بعنوان پاسخ چند متن قانونی و دهها تصمیم قضائی را عرضه کند که هر قسمت از آن مربوط به یکی از مفاهیم مسئولیت مدنی، قرارداد کار، بیمه اجتماعی و... باشد، برای آنکه راه حل مورد نظر بدست آید، باید به این سؤال، مفهوم «مسئولیت مدنی»، یا «اجاره وسیله نقلیه»، یا... را افزود. در این حالت مساله مورد نظر از دیگر راه حلها جدا میشود. نتیجه آنکه در پرسشی ماشینی، پدیده ارزش اطلاع رسانی، سبب حرکت در جهت عکس سلسله مراتب چکیده‌های سنتی است. دیدیم که چکیده سنتی، از کلی به جزئی سیر میکرد اما در پرسش ماشینی گرایش معکوس وجود دارد و سیر از جزئی به کلی است. اما این مطلب نباید موجب تعجب باشد، کافی است متذکر شویم که فکر در بیان معمولی، یعنی از طریق گفتار یا نوشتار نیز به همین ترتیب حرکت و عمل میکند.

دوم: اصلاح ارزش خبری - اطلاع رسانی چکیده‌ها

تحقیق توسط ماشین ما را در برابر یک نظام بسته اطلاع رسانی قرار میدهد. بنابراین اصولاً غیر از اطلاعاتی که وارد ماشین شده است چیز دیگری نمیتوان استخراج کرد. اما ارزش اطلاعاتی منحصر به گنجینه چکیده‌هایی نیست که وارد ماشین شده است، ارزش جامع و کامل خبر یا اطلاع را ممکن است با ایجاد یک اصطلاح نامه یا تزوروس، بطور محسوس افزایش داد. تزوروس یا اصطلاح نامه، زبان اطلاع رسانی و مدارک و اسنادی است، که در خصوص موضوعات و مواد حقوقی بکار گرفته میشود و ممکن است علاوه بر توصیفگرهایی که چکیده حاوی آنهاست، توصیفگرهای دیگری را بر آن بیفزاید. البته قسمت اعظم گنجینه تزوروس از چکیده‌هاست که در واقع اسناد و مدارک پایه را تشکیل میدهند اما همانطور که گفته شد میتوان توصیفگرهای تازه را نیز پذیرفت. لکن چون بخش مهم ارزش اطلاع رسانی چکیده‌ها با نظام توصیفگری قدیمی مرتبط است، اصلاح مستقیم آنها تا

° - فرمول زیر روشن پرسش از اردیناتور را بیان میکند.

«تماسی مدارک مربوط به توصیفگر A و توصیفگرهای C یا C' یا C'' و توصیفگرهای D یا D' و توصیفگر E به استثنای توصیفگر F» جمله ریاضی آن به این ترتیب نوشته میشود:

$$[A \cdot (C + C' + C'') \cdot (D + D') \cdot E] - F$$

حدی ممکن است، و بنابراین بیشتر از طریق ارزش خبری تزوروس، یعنی بطور غیرمستقیم باید به جبران عدم کفایت چکیده‌ها همت گماشت.

الف - اصلاح مستقیم

۱ - تعابیر

میدانیم که ماشین حسابگرایی را کدگذاری میکند، و همین امر مشکل ما را در زمینه تعابیر حل مینماید. توصیفگر میتواند ساده باشد (مثلاً طلاق) و یا متشکل از چند کلمه یا زنجیر باشد (مثل: اسقاط حق خیار، عده طلاق) برای ماشین فرقی نمیکند که شماره «کد» را به یک تعبیر دو سه کلمه‌ای بدهد و یا به یک کلمه اعطاء نماید. آنچه باید بدان توجه داشت اینست که در انفورماتیک عدد و حرف و کلمه منظور نظر نیستند، بلکه «ایده» است که به حساب می‌آید، پس با یک شماره کد هم میتوان به یک تعبیر و هم به یک کلمه ارجاع داد. بنظر کارشناسان انفورماتیک یکی از اشتباهاتی که در آغاز کار موجب تأخیر در توسعه فعالیت این نظام شده، استعمال «واژه‌های کلید» و تجزیه تعابیر به واژه‌ها بوده و این امر موجب تولی پیرشها و در نتیجه دور کردن راه میشده است. در آن ایام سیکوشیدند تا چکیده‌های مورد استفاده ماشین منحصر به کلماتی باشند که واجد معنای محدود است، در نتیجه برای تعبیر «مأمور اسناد سجلی» باید سه مفهوم «مأمور»، «اسناد - سند» و «سجل» را با یکدیگر تلاقی میدادند.

باری در تحقیق غیرماشینی به طبقه‌بندی الفبائی یا موضوعی دست می‌یازند. ماشین نیز در یک شکل تألیفی همین روشهای سنتی را در پیش می‌گیرد. طبقه‌بندی الفبائی به این صورت وارد میدان میشود که از توصیفگرها، لغت نامه‌ای فراهم میگردد. این لغت نامه موضوع کدگذاری قرار میگیرد و کدهای مذکور غالباً با شماره‌هایی که منطبق بر نظم الفبائی کلمات اند عرضه میشوند. همچنین عنصر بندی و موضوعی تحقیق سنتی هم در «بار مفهومی» توصیفگرها عرض وجود می‌نماید و باید دقت شود تا توصیفگرها طوری تنظیم شوند که دسته‌ای که از لحاظ مفهوم دارای عبق و شدت بیشتری هستند، در یک «طرح عمی مطالعه» تقسیمات فرعی بحث را تشکیل دهند. این دقتها موجب تعریف و تحدید واحد خبری یا اطلاعاتی میشود:

۲ - سطح یا درجه تحلیل

برای آنکه عمل ماشین مؤثر باشد باید در تحلیل مدارک تدقیقی شود. صحت و اصالت چکیده نیز در گرو همگنی تحلیل است. چکیده مربوط به هر یک از منابع حقوقی بایستی

کلیاتی درباره چکیده مدارک و اسناد / ۱۶۱

انعکاسی از یک درجه ثابت تحلیل باشد. تحلیل‌های نامتجانس سبب خواهد شد که پاسخهای ماشین، پاسخهایی مورد بحث و تردید باشند. اگر متون مختلف با روش واحد پرداخته نشوند، در نظام مدارک و اسناد ماشینی یکی از نتایج زیر بدست خواهد آمد:

چنانچه تحلیل در مرتبه ضعیفی باشد، پرسشی که با توجه به این نکته و با تعداد کمی توصیفگر مطرح میشود، در زمینه متنی که مورد این تحلیل قرار گرفته است، پاسخ صحیح دریافت میکند اما همین پرسش در زمینه یک تحلیل با سطح بالا و قوی، کارساز نیست، زیرا پاسخ پر دامنه و بی حد و مرز و در نتیجه کم معنا خواهد بود.

بعکس چنانچه پرسش مطابق با تحلیلی باشد که در مرتبه‌ای قوی جای دارد، پاسخ در این زمینه مطلوب خواهد بود، اما دقت سؤال سبب میشود که متون مربوط به همین پرسش که مورد تحلیل ضعیف‌تری قرار گرفته‌اند، حذف شوند و در پاسخ منعکس نشوند.

ب - جبران غیر مستقیم کمبودهای چکیده

تزوروس دربرگیرنده مجموعه توصیف‌گرهائی است که مشخص‌کننده منابع اطلاع‌رسانی‌اند. اما این توصیفگرها دارای خلاءهایی نیز هستند که فعالیت غیر کافی تحلیل‌گر موجب آنهاست. نظر به اینکه نمیتوان چکیده‌ها را بطور نظام یافته مورد تجدیدنظر قرار داد، پس از این راه نمیتوان ارزش خبری یا اطلاعاتی آنها را افزون نمود، بنابراین باید برای جبران ضعفهای چکیده، تزوروس راغبی ساخت. برای عرضه حداکثر بار خبری به تزوروس از دو راه: یکی تصحیح واژه‌نامه و دیگری ایجاد همبستگی، وارد میشوند.

۱ - تصحیح واژه‌نامه

در مرحله اول باید به جداسازی چکیده‌های بی‌مایه پرداخت. حرف تعریف (در عربی) حروف اضافه، موصول‌ها و نظایر اینها را باید حذف کرد. توصیف‌گرهائی که باقی‌میمانند از اساسی هستند. اما میان آنها نیز باید به انتخاب دست زد. پزشکی / پزشکی - گاراژ / گاراژداری. انتخابهای دیگری میان الفاظ مترادف و میان کلمات متجانس یا مترادفات تقریبی (مثل مذبوعات / روزنامه - اتومبیل / وسیله نقلیه) صورت میگیرد.

کلماتی که دارای تلفظ یکسان و معنای متفاوتند با کدگذاری از یکدیگر مجزا خواهند

۶ - مشکلی را که سطح یا درجه تحلیل پیش میآورد، تا حدی در « Full System » حل کرده‌اند، به این معنی که متن یا قسمتهائی از متن را که مورد نظر است به ماشین میدهند و کارتحلیل‌گر را بر عهده ماشین میگذارند. لکن باید به این نکته توجه کرد که در وضعیت کنونی ممکن است، سیستم مذکور، در ایران نتیجه مفیدی نداشته باشد، زیرا تنظیم چکیده توسط ماشین به معنی تقدم کارشناس اندورماتیک بر حقوقدان است و در این حالت معلوم نیست، آنچه بدست میآید دارای بار حقوقی قابل توجه باشد. به نظر میرسد که همکاری متقابل و تنظیم یک تزوروس پیشرفته، به دقت در کار دردمانند.

شد. اما در مورد الفاظ مشترک، مساله معنی پایه و معنی حاشیه‌ای یا معانی دوم و سوم مطرح میشود. در اینجا ماشین باید برای جلوگیری از سوءتعبیر، به ترکیب سئوالها پردازد و با تسلسل مفاهیم، به معانی حاشیه‌ای برسد. وانگهی میتوان تعبیری را به جای کلمه‌ای نشان داد و با دادن هستی ویژه به آن تعبیر، خود را از این دشواری وارهاند.

این تصحیحات، واژه‌نامه را تعریف و تحدید میکند و فهرست کلمات یک دست را فراهم می‌آورد. دقتی که در واژه‌نامه‌های فنی حقوق هست، به ساده کردن کار کمک میکند. در عین حال برای رفع ابهام در بعضی موارد، برقراری یک نظام امدادی لازم است تا با ایجاد برخی تعابیر، مفهوم توصیفگرها بار دیگر جان یابند.

توصیفگر اساساً و ذاتاً یک مفهوم است و لزوماً محتوای مفهومی موضوع مورد مطالعه توسط واژگانی که بر واژگان دیگر ترجیح سیاید، بیان میشود. بنابراین آشنائی عمی نسبت به موضوع که موجب آشنائی به محتواست، یاریگر محقق خواهد بود. علاوه بر تنظیم و تدوین واژه‌نامه، ماشین با کمک تزوروس یک نظام همبستگی را وسوسان میدهد.

۲- همبستگی‌ها

در تحقیق غیرماشینی، استقرار همبستگی، از طریق نظام واژه‌ها و کلمات ارجاعی صورت میگیرد. اساس کلمات ارجاعی همان عناصر چکیده هستند و خاصه تحکمی فهرست کلمات موجود را جبران مینمایند، و تحقیق را با استفاده از تصویرها و تداعی معانی‌ها جهت میدهند و راهنمایی میکنند. این ساز و کارها که در «سمانتیک»، انگیزه خواننده میشوند، در تحقیق اتوماتیک از نظر دور نمی‌مانند. بنابراین پس از ایجاد و تدوین واژه‌نامه، که حدود و ثغور آنچه را به حافظه ماشین سپرده شده است معین میسازد، سعی میشود خط‌ها و اشتباهات واژه‌نامه، تدارک گردد. تزوروس در نظام تحقیق ماشینی نقش اساسی دارد. توصیفگرهای تازه که برای پژوهش لازمند، به تزوروس اضافه میشوند و به آنها ارتباط با توصیفگرهای موجود در حافظه برقرار میگردد. همبستگی میان توصیفگرها از سه طریق برقرار میشود:

- ۱-۲- معادل‌سازی - واژه‌نامه به برقراری ارتباط با مساله میپردازد. در ماشین میتوان برای ایده‌ها معادل ساخت و این معادله‌ها هستند که در تحقیق غیر ماشینی، ارجاعات ساختی نامیده میشوند (مانند: اجاره = کرایه، بیع = خرید و ...). معادل‌های مذکور همواره موجب استقرار تطابقهای کامل نمیشوند در نتیجه باید به اتصال یا تسلسل پرداخت.
- ۲-۲- اتصالات - در این زمینه، مطلب را با یک مثال روشن میکنیم: میدانیم که در رویه قضائی مساله اعتبار دلیل مبتنی بر «فوتوکپی» یا «نوار ضبط صوت» مطرح است در اینجا پاسخ، باید دو راحل را که در واقع مربوط به روشهای تکثیر سمعی و بصری هستند به

یکدیگر نزدیک و متصل نماید .

باید دید در خصوص این دو روش «تکثیر» ، پرسش از ماشین باید به چه ترتیب باشد؟ اگر پرسش متوجه « دلایل » شود ، سروصدای ماشین زیاد خواهد بود. آیا میتوان از طریق معادل میان این دو روش ارتباط برقرار ساخت ؟ در این حالت نمیتوان از معادل حقوقی سخن گفت ، بلکه باید رابطه جدیدی برقرار ساخت که با توصیفگرهای کد شده نیز بیگانه است. در این مقام به قلمرو « سمانتیک » گام مینهیم . شک نیست که باید به ایجاد زبانهای تخصصی اندیشید ، در اینصورت به فهرست توصیفگرهای مبنائی یا پایه ، توصیفگرهای واسط همبستگی افزوده میشود .

میتوان ترتیبائی را در ماشین پیش بینی و تعبیه کرد که با یاری آنها بتوان میدانهای عمومیت ، خصوصیت و پیوستگی را ، در نور دید . در تحقیق سنتی نیز کلمات ارجاعی این جولانگاهها را در می نوردند . اما در اینجا باید متوجه ارزش خبری یا اطلاع رسانی بود . مفاهیم بسیار عمومی و کلی ، انتخابگری کافی ندارند ، تا بتوان با واسطه آنها ارجاعات نظام یافته را ، در خط عمودی در نظر گرفت . مفاهیم کلی و عمومی از لحاظ کیفیت خبری در خط نزولی سیر میکنند . بعکس میتوان ارجاعات مورب و متنازل را در جهت تحلیل و یا خصوصیت تعبیه کرد آنچه گفتیم مربوط به نظام ارتباطی میان مفاهیم بود لکن این اتصالات ممکن است نه فقط مربوط به مقایسه میان مفاهیم باشد ، بلکه به یک مفهوم معین و یا مطالعه رژیمهای مختلف حقوقی آن مفهوم مربوط گردد .

۲-۳- پرسش ساده شده - تحقیقی که در باره یک پارامتر مشخص صورت میگیرد ، ممکن است از لحاظ علمی ثمربخش باشد . ماشین که بدین ترتیب مورد سوال قرار میگیرد کلیه اطلاعاتی را که در باره مفهوم مورد نظر در اختیار دارد ، عرضه مینماید . بدین ترتیب رژیمهای حقوقی مختلف مربوط به این مفهوم شناخته میشوند ، و مطالعه تطبیقی رژیمها ثمربخش خواهد بود . نتایجی که از این طرز کار بدست میآید گهگاه نامنتظر و غالباً پرمایه و غنی است . سوال واحد به مفاهیمی مربوط میشوند که دارای محتوای بیش و کم شدید و عمیق اند .

به همین سیاق با آرایش دو یا سه توصیفگر ، و با محدود ساختن منطقه بررسی میتوان انقیهای تازه ای را در برابر تحقیق گشود .

در تحقیق غیرماشینی ، پرسشگر بدست امواج تصورات و تخیلات فردی سپرده میشد و بطور اتوماتیک به یک محقق نخبه بدل میگشت. در تحقیق با واسطه ماشین ، ماشین برای همین محقق ، اقلی از تصور و تخیل تحقیقی با گستردگی بیشتر فراهم میآورد و نتایجی که مورد انتظار است ، با سرعت بدست میآید . این فوریت در کار نتیجه گیری زمینه مساعدی را برای کنجکاوی محقق فراهم بسازد ، خصوصاً در صورتیکه این کنجکاوی بطور علمی برانگیخته

شده باشد. از این هنگام است که ماشین حسابگر بصورت دستیاری برجسته و ممتاز در بیاید و مشوق و محرک تحقیق میشود، و طرق یافتن را بیاموزد.

خاتمه

چکیده‌ها به هنگام تنظیم در فهرست نامه‌های غیرماشینی، در برابر پاسخگوئی به یکی از دو وظیفه قرار میگیرند. آیا باید بر اساس الزامات تحقیق نظری و مسائل خالص علمی بدون شوند و یا پاسخگوی تحقیقات عملی باشند، به مقولات کلی و عمومی حقوقی بپردازند و یا به یافتن راه حل‌های عملی حقوق مثبت کمک نمایند؟

بر اساس هدف تعیین شده، تدوین چکیده‌ها هم به اعتبار انتخاب واژه‌ها و هم به لحاظ تعیین سلسله مراتب، متفاوت میشود.

اما با استفاده از ماشینهای حسابگر و ترتیب و ترکیب چکیده و اصطلاح نامه (تزوروس) این دو وظیفه با هم قابل جمع، و پاسخ به دو نوع پرسش عملی است. موثر بودن تحقیق عملی و بررسیهای نظری و دتبیق علمی با یکدیگر، در تضاد واقع نمیشوند. توصیفگر، قصه اصلی و اساسی بنای این تکنیک جدید تحقیقاتی و اطلاعاتی است.

مزایای ماشین به گونه‌ای است که خوش بینی را بر میانگیزد، اما باید کوشش کرد که این موقعیت موجب احساس ناتوانی برای بشر نگردد. ماشین نقائص کار تحلیل و تحلیل‌گر را نشان میدهد اما به همان اندازه نمی‌تواند برای آن راه حل بیابد. در کار ماشینی با نا آگاهی استفاده‌کنندگان از این تکنیک روبرو هستیم، لکن به کمک اصطلاح نامه‌ای که بطور سیستماتیک و نظام یافته به زبان ساده نوشته میشود این مشکل بیش و کم حل میشود. استفاده از ماشینهای حسابگر در حقوق دو نکته مهم را مطرح میسازد. از یکسو ممکن است حقوقدانان به هراس افتند که مبادا ماشین بر آدمی تسلط یابد و او را درهم بشکند. اما این هراس با توجه به این نکته رنگ میبازد که: نشان خود پدید آورنده مغز الکترونیکی است در نتیجه این خود آدمی است که با واسطه اختراع خویش با خویشتن و با هم‌نوع خود که متخصص در رشته‌ای دیگر است. به گفتگو و مباحثه میپردازد. برای پرهیز از احاطه ماشین نیز درست آن است که از آغاز کار، حدود و مناطق صلاحیت انسان و ماشین ترسیم و تعیین گردد. در تاروپود مسائل مورد مطالعه، دائماً با عکس العمل متناوب انسان و ماشین روبرو میشویم. اصولاً ساخت ریاضی ماشین، منتهی به تعیین روشهای عمل و تشخیص میدان عملیات آن میشود، و در کنار آن قلمروی وسیع بازشناخته می‌گردد که جولانگاه بی‌رقابت اندیشه انسانی و فکر حقوقی و منطقی آنهاست:

تحلیل‌گر مدارک و اسناد حقوقی در تحریر چکیده‌ها، هم چنان در سیر از کلی به جزئی

کلیاتی درباره چکیده مدارک و اسناد / ۱۶۵

پای خواهد فشرد ، در مقابل نیز ماشین به عکس این نظم عمل خواهد کرد . گرچه سلسله مراتب چکیده‌های سنتی و سلسله مراتب ارزشهای خبری و اطلاع‌رسانی در دو جهت مقابل عمل میکنند ، ولی کاملاً با یکدیگر به توافق میرسند و در جوار هم قابل استفاده‌اند .

اما باید نخستین تجربه‌ها را محدود به مواد و موضوعات معین ساخت تا بتوان به ساختمانهای علمی و فنی مطمئن دست یافت و آنگاه به توسعه پرداخت و بخشهایی را که در یک رشته نزدیک به هم هستند بیکدیگر متصل نمود . در این هنگام است که باید میان تزویرهای مختلف همبستگی برقرار کرد و حتی آنها را در یک اصطلاح نامه عام و کلی مربوط به یک شاخه مشترک (مثلاً حقوق مدنی) ادغام نمود .

گفتیم ، حقوقدانان ممکن است از یک سو در برابر ماشین احساس ناتوانی کنند . اما از سوی دیگر نیز احتمال آن هست که وسوسه شوند و بخواهند با نادیده گرفتن کارهای گذشته و تنها به یاری ماشین در یک لحظه یا مدتی کوتاه همه چیز را کشف نمایند . لکن خطاست اگر کوشش کارشناسان گذشته نادیده انگاشته شود .

انفورماتیک دانشی تازه است که توسعه‌ای شکفت‌انگیز یافته است . اما نباید آن را مغزی کامل و تمام عیار تلقی کرد و دیگر رشته‌های علمی را نادیده گرفت . قلمرو تحقیق حقوقی ، قلمروی است که در آن فنون عام و کلی پژوهش به اندازه موضوع اصلی که حقوق باشد اهمیت دارد . بنابراین حقوقدان باید با کارشناسان رشته‌های دیگر همکاری کند و از جمله در زمینه روش تحقیق به مبادله‌ای ثمربخش میان خود و کارشناسان انفورماتیک و متخصصان تنظیم مدارک و اسناد و کارآزسودگان سمانتیک بپردازد .

کوتاه سخن حق آن است که تحول ساخت علمی و فنی در مسیری نیفتد که بواسطه تخصص‌گرایی مفرط ، ارتباط میان کارشناسان شعب مختلف علوم و یا حتی متخصصان یک رشته ، به دشواری برقرار شود و نتیجه کار ، لفاظی و تناقض‌گوئی باشد . با قراری ارتباط علمی درست است که میتوان میان محققان بخشهای گوناگون معارف بشری رقابتی سالم و ثمربخش برانگیخت و وحدت علم و فن را که لازمه پیشرفت آنهاست ، تأمین کرد .

والسلام

* *

*